

خشونت و قهر در نوار غزه

کوروش عرفانی

korosherfani@yahoo.com

27 2008 در عرض کمتر از سه دقیقه بیش از یک صد هدف مورد حمله قرار گرفت و بیش از یک صد تن بمب توسط بمب افکن های اسرائیلی بر سر مردم در منطقه ی نوار غزه ریخته شد.¹ این شدیدترین حمله از 1967 معرفی شده است.

جنایت جدید رژیم یهودسالار اسرائیل در نوار غزه که ننگی برای کل بشریت مسخ شده ی امروز است توجهات را به این جلب می کند که با چه توجیه و مشروعیتی می توان به کشتارهایی از این دست اقدام کرد. دولت ایالات متحده و بسیاری دیگر از دولت ها و نهادهای زیر سلطه ی صهیونیسم جهانی در این مورد با ذکر موشک پراکنی های حماس و سایر گروه های فلسطینی تلاش کرده اند که این حمله اسرائیل را پاسخی به اقدامات این گروه ها معرفی کنند.² این گونه برخورد حتی تا سایت های رسمی «سازمان های انقلابی» نیز نفوذ کرده است و این جای تاسف بسیار دارد.³

پرداختن به خود این کشتار و توصیف جنایت صفتی رژیم ضد بشری اسرائیل حرفی خواهد بود تکراری، زیرا چه کسی، با داشتن حداقلی از آگاهی، حتی در دورافتاده ترین روستاهای جهان است که درباره ی ماهیت پلید و ضد انسانی مجموعه ی صهیونیسم و اسرائیل کمترین شکی داشته باشد. بنابراین به جای پرداختن به این حرامزاده ی ضد تاریخ - اسرائیل - بهتر است به این موضوع پردازیم که استفاده از زور کجا می تواند از مشروعیت برخوردار باشد و کجا قابل محکومیت است.

قهر و خشونت

اگر این نکته را که بکارگیری زور به طور کلی یک پدیده ی غیر انسانی است به صورت یک اصل اخلاقی و فلسفی در نظر داشته باشیم با بازگشت به دنیای واقعیتهای اجتماعی و سیاسی در می یابیم که دو نوع زور وجود دارد: **قهر**. تفکیک میان این دو در قضاوت منصفانه در مواردی مانند کشتار فلسطینی ها توسط اسرائیل و یا کشتار مردم ایران توسط رژیم ضد بشری آخوندی می تواند یاری رساند.

به عنوان یک تعریف پایه ای می توانیم بگوییم که زمانی که زور توسط یک قدرت ستمگر و ظالم بکار می رود تا رابطه ای نابرابر و ظالمانه پایدار بماند خشونت اعمال شده است و زمانی که زور توسط یک قدرت ستمدیده و مظلوم بکار می رود تا رابطه ای نابرابر و ظالمانه را به هم بزند قهر اعمال شده است.

بنابراین خشونت دارای وجهی ضد انسانی، ناعادلانه، ستمگرانه و لذا ضد اخلاقی و نامشروع است و قهر دارای جنبه ای انسانی، عدالت طلبانه، آزادیخواهانه و لذا اخلاق پسند و مشروع است.

خشونت به صورت ساختاری و ضد مردم اعمال می شود و قهر به صورت خودجوش و از سوی مردم.

خشونت و قهر یک تفاوت ماهوی و ذاتی است و بیانگر دو نوع به کلی متضاد در استفاده از زور است.

در مورد فلسطین دقت داشته باشیم که یک نیروی غاصب، با پشتوانه ی نظامی، مالی و مادی و تبلیغاتی می رود و سرزمین دیگران را اشغال می کند، به مدت شصت سال آنها را از خانه هایشان می راند (میلیون های آواره ی فلسطینی)، آنها را کشتار می کند (از صبرا و شتیلا تا دیر یاسین و تا همین قتل عام امروز)، به بدترین نوع ممکن و به صورت روزانه به مدت بیش از شصت سال آنها را مورد ستم و تحقیر و توهین قرار می دهد، صدها هزار

¹ http://www.palestineherald.com/homepage/local_story_362225250.html?keyword=leadpicturestory

² http://www.bbc.co.uk/persian/world/2008/12/081228_op_gaza_reax.shtml

³ متن خبر زیر طوری تنظیم شده است که تقصیر و گناه این حمله را به گردن فلسطینی ها می

«تهاجم هوایی اسرائیل به نوار غزه، دهها کشته و زخمی به جای گذاشت.»

6:03:23 AM 1387/10/7

به گزارش تلویزیون الجزیره نیروی هوایی اسرائیل امروز حمله های متعددی را به مقر نیروهای امنیتی حماس در غزه که در جریان آن دهها نفر کشته . امدادگران آمار تلفات را بیش از 120 200

. مقامهای اسرائیلی در چند روز اخیر نسبت به موشک باران شبه نظامیان حماس به جنوب اسرائیل هشدار داده و اعلام کرده بودند که چنین اقدامهایی قابل تحمل نیست. یادآوری می شود که از پای

بیش از 80 موشک به آبادیهای یهودی نشین شلیک کرده اس . « () : خبر منتشر شده در سایت سازمان مجاهدین خلق ایران (http://www.mojahedin.org/pages/detailsNews.aspx?newsid=37035)

نفر از جوانان این سرزمین را به زندان افکنده و بدترین شکنجه های جسمی و روانی را بر آنها اعمال می کند، آب و برق و دارو و مواد خوراکی آنها را قطع می کند، میلیون ها ساعت از وقت آنها را در پشت ایستگاه های بازرسی به طور روزانه از بین می برد، هر گونه اعتراضی را با گلوله پاسخ می دهد، آنها را در خانه های خود زندانی می کند و به دور مناطق و شهرهای آنها دیوار بتونی می کشد، کودکان فلسطینی را از هرگونه آموزش و سلامت روانی و آینده محروم می کند، به طور تدریجی تمام سرزمین های آنها را اشغال می کند، دانداری و کشاورزی و صنعت آنها را نابود می کند، آنها را از حق داشتن سازمان سیاسی مستقل، انتخابات آزاد و رفت و آمد آزاد در سرزمین هایشان محروم می کند، در جهان آنها را به عنوان تروریست و خشونت طلب و جنایتکاران خود را به عنوان قربانی و مظلوم معرفی می کند و در یک کلام، به دنبال نابودسازی سیستماتیک، برنامه ریزی شده و فکری شده ی آنها می باشد و در پاسخ به تمام این همه ظلم و ستم فاحش شصت ساله و برنامه ی برداشتن یک کشور از نقشه ی کره ی زمین کمترین شکل مقاومت را به صورت « و یا «تروریسم» معرفی می سازد و به بی رحمانه ترین طریق ممکن آن را سرکوب می کند.

همه ی آنچه رفت، یعنی مصداق های بارز ستمگری و ظلم و اجحاف و حق کشی، براساس تعریفی که آمد بیانگر « و یا «یک خشونت ساختاری، فکری شده، برنامه ریزی شده و هدفمند.

بدیهی است در این صورت هر گونه حرکتی که به عنوان واکنش از جانب مردم فلسطین به صورت انفرادی یا سازماندهی شده بروز کند، بر اساس تعریف بالا مصداق قهر است، یعنی مبارزه از سوی ستمدیدگان فلسطینی برای پایان بخشیدن یا کاهش خشونت جسمی و روحی که از جانب قدرت ضد انسانی صهیونیستی اعمال می شود. بدیهی است که ستمگر از لحاظ رفتاری بی شرم و دریده و بی حیا و دروغگو است. چنانچه رژیم یهودسالار اسرائیل و شبکه ی صهیونیستی آن از این خصلت برخوردار است. این شبکه با تکیه بر افراد خود که در سراسر جهان و در عرصه های وسایل ارتباط جمعی و سیاست مستقر کرده است شبانه روز به تبلیغات مشغول است این طور جلوه دهد که مظلوم تر از مردم اسرائیل در تاریخ بشر نبوده و نیست و نخواهد بود و این که آدمکش تر و جنایتکارتر از فلسطینی و یا مسلمانان نیز در جهان نبوده و نیست و نخواهد بود.

در حالی که نمایش مسخره ی انتخاباتی اسرائیل برای انتخاب قصابان بر راس کار به عنوان «تنها دموکراسی خاورمیانه» معرفی می شود فلسطینی ها که منجر به روی کار آمدن حماس شد به عنوان « معرفی شده و بنابراین به صهیونیسم اجازه می دهد که یک میلیون انسان را مورد تجاوز و قتل عام قرار داده و آب و برق و دارو را به عنوان مجازات جمعی بابت چنین انتخابی به آنها تحمیل کند.

قضاوت در باره ی اینکه خشونت کجاست را باید در ترورهای دولتی اسرائیل دید که با استفاده از قدرت فن آوری خود در هر جای دنیا - سوریه، لبنان، اردن، عراق، ... دشمنان خود را شناسایی و آنها را ترور می کند. ارتش اسرائیل پاسخ سنگ را با توپ می دهد، پاسخ سنگ انداز را با تانک و پاسخ خمپاره یا موشک ساخته شده با حلبی ناودان را با هواپیمای بمب افکن اف-16. به همان صورت که آن تصویر معروف در سراسر جهان را باید بیاد آوریم که در آن سربازان اسرائیلی شانه یک فلسطینی را که به سوی آنها سنگ انداخته بود با سنگ خرد می کردند.



خشونت و قهر :

سربازان تا دندان مسلح رژیم اشغالگر صهیونیستی و نوجوان فلسطینی باسنگ

قضاوت در باره ی خشونت و قهر را باید در نبرد میان ستمگر و ستمدیده دید. هر گونه زوری از جانب ستمگر خشونت است و هر نوع کنشی از جانب ستمدیده مقاومت.

وقتی جمهوری اسلامی دستگیر می کند، اعدام می کند، شکنجه می دهد، شلاق می زند، آفتابه به گردن در خیابان ها می چرخاند، سنگسار می کند، بر سر چهارراه ها به دار می کشد، با باتوم و گاز اشک آور به جان کارگران و دانشجویان می افتد، ... همه نمودهایی از خشونت است و هنگامی که مردم ایران برای دفاع از جان و شرافت خویش دست به اسلحه می برند، ارتش آزادیبخش تشکیل می دهند، به آتش می کشند، کوکتل مولوتوف پرتاب می کنند، مزدوران رژیم را در بلوچستان و کردستان تنبیه و مجازات می کنند... همگی نمودهایی از قهر هستند.

مبارزه ی قهر آ میز چه در فلسطین، چه در ایران و چه در طول هفته های گذشته در شهرهای یونان مبارزه برای حفظ انسانیت است. مبارزه قهر آ میز پاسخ منطقی به خشونت است. همه ی کسانی که می خواهند با تزه های به ظاهر انسان دوستانه، روشنفکر مآبانه و شکل گرا «هر نوع استفاده از زو» را پیشاپیش محکوم کنند باید بدانند که مبارزه ی قهر آ میز یک کنش نیست، یک واکنش است، واکنش طبیعی و قابل درک ستمدیدگان است به کنش خشونت آ میز که از جانب ستمگران اعمال می شود. خشونت امری است سیاسی و مبارزه ی قهر آ میز یک پدیده ی اجتماعی است. است و قهر از جانب ضد قدرت.

بی شک در جهانی که خشونت وجود نداشته باشد قهر هم نخواهد بود، اما برعکس آن نمی تواند وجود داشته باشد. تازمانی که پدیده های ضد تاریخی و ضد بشری مانند رژیم یهودسالار صهیونیستی اسرائیل و حامیان آن و یا رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی کشان آن وجود دارند بی شک قهر نه به عنوان یک انتخاب، که به عنوان یک اجبار مطرح می شود. رژیم های اسرائیل و ایران به کار گیری هر زبان دیگری جز قهر فقط مصداق رویابافی، غیر واقع گرا بودن و عدم درک ضرورت هاست. قهر نه تنها یگانه ابزار مناسب برخورد با رژیم های ضد انسانی است بلکه تنها نوع مبارزه ای است که از حیث اخلاقی می تواند باعث حفظ شرافت و حیثیت انسان ستمدیده شود.

هرگونه قضاوتی که بخواد مرزهای میان خشونت و قهر در ورای مرزبندی میان ستمگر و ستمدیده قرار دهد و برای داوری یک کنش یا یک جریان از کلیشه ها و تیترها استفاده کند بی شک به مرز بی انصافی، بی عدالتی و حتی همدستی با جنایتکاران در خواهد غلطید. برچسب تروریستی بر مقاومت مسلحانه ی مجاهدین در مقابل رژیم آدمکش جمهوری اسلامی نمونه ای از این مخدوش کردن مرز ستمگر و ستمدیده است، به همین ترتیب که سایر ن های مسلح انقلابی و مردمی که در لیست کذایی آمریکا و اروپا قرار گرفته اند. لیستی که به سادگی بیانگر یک واقعیت معکوس نشان دهنده ی همدستی جبهه ی جهانی ستم سالاری بر علیه مظلومان کره ی زمین . به همین دلیل نیز باید همیشه و همیشه معیار ظالم و مظلوم تنها ابزار قضاوتی ما درباره ی این نوع از جنایات علیه بشریت، آنگونه که اینک در نوار غزه می ببینیم .

*

این نوشته ی کوتاه را با تصاویر زیر به پایان می بریم. تصاویری که به خوبی اجازه می دهد ببینیم آنچه نوار غزه به خاک و خون کشیده شده است نه فقط فلسطینی های بی دفاع و بی گناه، بلکه هم چنین احساس مسولیت و شرافت اخلاقی ماست تا بدانیم که سکوت پیشه کنیم یا خیر.

**

تمامی تصاویر صفحات زیر مربوط است به کشتار مردم نوار غزه توسط رژیم یهودسالار اسرائیل در تاریخ 27 2008



ادامه ی تصاویر در صفحات بعد



ادامه ی تصاویر در صفحات



ادامه ی تصاویر در صفحات بعد



ادامه ی تصاویر در صفحات بعد



ادامه ی تصاویر در صفحات بعد



ادامه ی تصاویر در صفحات بعد



* * * *